



باهوش

آنچه دختران باید بدانند

مدیریت پول

نویسنده: نانسی هولیوک

مترجم: گیتی شهیدی

چگونه می‌توانید
هوش مالی
به دست آورید؟



چاپ ششم

فهرست

پول! پول؟ ۷

- ۸ دختر و پول او
- ۱۰ پول و زندگی
- ۱۲ هیجان‌ات مربوط به پول
- ۱۴ پول توحیسی
- ۱۸ شما و پول



کسب درآمد / ۲۰

- ۲۱ راه آعار تجارت
- ۲۲ آرمون آیا این شعل مناسب شماست؟
- ۲۶ آیا نتیجه می‌دهد؟
- ۳۰ شرکا و تقسیم کار
- ۳۲ شروع کنید
- ۳۶ آیا نوآوری دارید؟
- ۳۸ دفتر کار خانگی
- ۴۰ مشتری را راضی و خوشحال نگه دارید
- ۴۲ مشکل گشایی



بیایید به خرید برویم / ۴۵

- ۴۶ دیای شگفت‌انگیر خرید
- ۴۸ بهترین و بدترین خریدها
- ۵۰ شما چه نوع خریداری هستید؟
- ۵۳ خریداران زیرک
- ۵۵ شش راه بحریدن
- ۵۶ خوشگذرانی کردن
- ۵۹ آرمون چقدر ساده‌لوح هستید



پس‌انداز پول / ۶۱

- ۶۲ خود را عادت بدهید
- ۶۴ اصول و مابى تعیین بودجه
- ۶۶ پس‌اندار در بانک
- ۶۸ کارت‌های پول نقد
- ۷۰ باپول، پول به دست بیاورید
- ۷۲ چگونه میلیوور شویم



تروتمند؟ تروتمند! / ۷۳

- ۷۴ بیست دلار
- ۷۶ دو دلار
- ۷۸ امیت مالی



دختر و پول او

داشتن پول عالی است و حرح کردن آن شادی آور، اما نگه داشتنش برای بعضی ار ما، دشوار است
فکر کنید در طول زندگی خود چقدر پول داشته‌اید و حرح کرده‌اید فقط همین یک ماه آخر را در نظر بگیرید ۱۰ دلار در هفته برای خرید ناهار، پول توحیسی روزانه، چکی که حاله ماتود برای تولدتان فرستاد در عرض چهار هفته می‌شود ۱۰۰ دلار! در سال هزار دلار به کیف شما وارد و بعد از آن حرح می‌شود کسی چه می‌داند؟

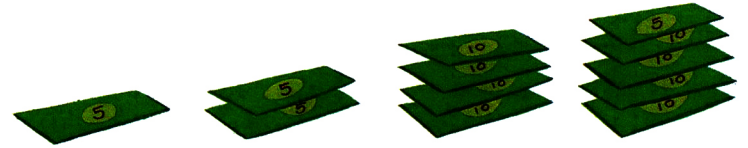


اگر دقت کنید، می‌بینید پول از حیسی به حیب دیگر در حریاں است این همه پول از کجا می‌آید؟

در یک کلمه کار اگر چند سکه پول در حیب دارید، علتش آن است که در حیسی شحسی برای به دست آوردن آن کار کرده است شاید شما، شاید والدین شما و شاید کسی دیگر اما بالاخره یک نفر کار کرده است



پول و زندگی



پول در شیوهی نگرش ما به مردم و خودمان تأثیر می‌گذارد شاید به همین علت است که تصمیماتی که درباره‌ی آن می‌گیریم بیشتر به احساس و هیجان ما مربوط می‌شود نه حس حساسگری ما

۵:۵۵

مادر سارا می‌گوید «این پول توجیبی‌ات است آن را صرف خرید چیزهای آشغال و بی‌ارزش نکن» سارا سرش را به علامت تأیید تکان می‌دهد او سعی می‌کند به حرف مادرش گوش کند، اما اگر لورا و آمر بخواهند بعد از مدرسه به مرکز خرید بروند چه؟ او که نمی‌تواند به آنها نه بگوید

۹:۳۰

وقتی آمر وارد سالی می‌شود لحد می‌رند دیروز، فهمید که با فروش رابوند، ۲۵۳ دلار به دست می‌آورد ۲۵۳ دلار مال خود خودش! احساس می‌کند که دو سانتی متر به قدش اضافه شده است تصمیم می‌گیرد که ۵ دلار آن را بعد از مدرسه خرج کند

۱۱:۱۶

ژنوی یک کیف پول نو دارد سارا می‌داند که ماشین برادرش از کیف پول جدید او ارزان‌تر است او به این نتیجه می‌رسد که ژنوی پر فیس و افاده است

۱:۳۶

آمر به مورگان می‌گوید «چه کفش‌های قشنگی! چقدر می‌ارزیند؟» پاسخ این است که خیلی زیاد، اما مورگان می‌داند که خانواده‌ی او پولدارتر از خانواده‌ی آمر است



او می‌گوید «مطمئن بیستم فکر می‌کنم آنها ارزان‌تر از قیمتی که می‌گفت باشند»

۴:۳۰

دخترها به مدت یک ساعت در مرکز خرید بودند مورگان و آمر هر دو خرید کردند آنها به سارا گفتند «تو هم چیزی بخر» و سارا هم خرید

۶:۱۰

صورت حساب کارت اعتباری رسیده است والدین آمر مدتی نا هم بحث می‌کنند بعد صدای سسته شدن درها می‌آید آمر صط را روشن می‌کند و در رحتحواش می‌شید و رابو بد درست می‌کند



۱۰:۳۰

لباسشویی، دیگر لباس‌های مورگان را خوب نمی‌شوید لباسشویی حراب است پدرش می‌گوید «ناید یکی نو بخریم پول لازم داریم»

۹:۰۵

سارا در رحتحواش مطالعه می‌کند، داستانی درباره یتیمی که به فرزندخواندگی یک میلیویر پذیرفته می‌شود او با این خیال که ثروتمند بودن چگونه است به خواب می‌رود هفته بعد تصمیم می‌گیرد حتماً پول تو جیبی‌اش را پس‌انداز کند البته شاید

